

آیا دوران تازه‌ای در تاریخ بشر آغاز شده است؟

پروفسور شاپور رواسانی

همه‌آدیان، با طبقات حاکم محلی و ملی و امپریالیسم مبارزه می‌کردند بر باد داد، بلکه موجب بروز تردید در درستی و عملی بودن تئوری‌ها، حقایق مبارزه‌محرومان با ستمهای سرمایه‌داری و سستی و کاستی گرفتن امیدواری مبارزان با سرمایه‌داری و امپریالیسم به پیروزی گردید.

تاکنون درباره علل داخلی و خارجی آنچه در جامعه شوروی رخ داده است، بسیار گفته شده و به نظر می‌رسد که هنوز نکات فراوانی ناگفته مانده باشد، اما آنچه بی‌درنگ پس از فروپاشی نظام شوروی در مجامع علمی، سیاسی و فرهنگی جهان در کشورهای گوناگون و سازمانهای اجتماعی و سیاسی در مستعمرات به گستردگی مطرح شد این پرسش بود که آیا این رویداد را چنان که دولتها و محافل امپریالیستی و ارتجاعی عنوان و تبلیغ می‌کنند می‌توان به معنای مفهوم شکست قطعی جنبش‌های مردمی ضد امپریالیسم و پیروزی بی‌چون و چرای شیوه تولید و نظام اجتماعی سرمایه‌داری و ماندگاری امپریالیسم سرمایه‌داری دانست و پذیرفت؟ آیا دیگر تلاش انسانهای محروم در راه حق و عدالت در جهان، بویژه در مستعمرات، برای رهایی از امپریالیسم سرمایه‌داری و شیوه تولید مستعمراتی و طبقه حاکم که خود محصول سلطه امپریالیسم در این جوامع است راه به جایی خواهد برد و موفق خواهد شد؟ آیا باید این رویداد را به معنای پیروزی شیوه تولید

فروپاشی نظام اقتصادی-سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی در دهه پایانی سده بیستم پس از گذراندن کمی بیش از هفتاد سال، در شمار رویدادهای مهم اقتصادی، اجتماعی، نظامی و همچنین ایدئولوژیک در تاریخ بشر است. این رویداد تاریخی، نه تنها بر روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی میان بسیاری از کشورهای جهان بلکه بر جنبش‌ها و تئوریه‌ها و نظریات اقتصادی و اجتماعی بیان و مطرح شده در نیمه دوم سده نوزدهم و بخش بزرگی از سده بیستم در مجامع علمی و سیاسی سخت اثر گذاشت.

نظامی که با وعده برپایی دیکتاتوری پرولتاریا، اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی سوسیالیسم و کمونیسم، جانبداری از حق حیات کارگران، دهقانان و پر سر هم زحمتکشان و محرومان جهان، رد و نفی استثمار و استعمار و خشونت‌ها و غارتگری‌های برخاسته از شیوه تولید سرمایه‌داری و امپریالیسم سرمایه‌داری توانسته بود در آغاز احترام، اعتماد، امید و پشتیبانی انبوهی از زحمتکشان و محرومان و بسیاری از روشنفکران را در سراسر جهان جلب کند، در پایان کار به منجلا ب سرمایه‌داری غلطید و یار و یاور دولتها و محافل سرمایه‌داری استعماری شد و بدین سان نه تنها آرزوها، آرمانها و ثمره فداکاریهای صمیمانه بسیاری از زنان و مردان شریف و پاک را که با هدف ایجاد جهانی بر پایه دادگری و حق حیات برای همه انسانها از همه اقوام و پیروان

تازه‌ای در تاریخ بشر آغاز شده است، در دانشگاه الدنبرگ (آلمان) زیر همین عنوان در ترم تابستانی ۱۹۹۱ و ترم زمستانی ۹۲-۱۹۹۱ یک رشته سخنرانی ترتیب داده شد که در آن گروهی از استادان دانشگاهها و شخصیت‌های علمی فرهنگی از رشته‌ها و مکاتب گوناگون و مقامات سیاسی شرکت کردند. متن این سخنرانی‌ها را دانشگاه الدنبرگ در سه جلد منتشر کرد.^۱

اینک متنی که نگارنده در نخستین نشست قرائت کرد:

«زندگی در جامعه جهانی استوار بردادگری و درخور احترام انسانها، رها از استثمار، کهن ترین و زیباترین رؤیای بشریت است. از هزاران سال پیش، انسانها کوشیده‌اند به این هدف برسند و به آن واقعیت بخشند. با وجود شکستها و عقب‌نشینی‌ها، امیدرهایی از فقر، در ماندگی و خواری، هنوز برای میلیون‌ها انسان زنده است. با همه تفاوت‌های ظاهری گروه‌های انسانی، تلاش برای برپا داشتن عدالت، برای ایجاد جامعه‌ای درخور احترام انسانها و مبارزه با طبقه حاکم در جامعه جهانی، از دید تاریخی روند واحدی پدید می‌آورد. این تلاش در مراحل گوناگون تاریخ و در سرزمین‌های گوناگون، به اشکال مختلف انجام گرفته و بیان شده است. جنبش کارگری اروپا در سده‌های ۱۹ و ۲۰، انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷) و دگرگونیها در بسیاری از دیگر کشورها در همین راستا، مراحل گوناگون یک روند تاریخی است. هدف اصلی جنبش سوسیالیستی، رسیدن به جامعه‌ای بی طبقه حاکم استثمارگر است. این هدف، باشکوهترین و زیباترین رؤیای جامعه بشری همخوانی دارد. پیوستن اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپای شرقی به نظام سرمایه‌داری و

سرمایه‌داری و امپریالیسم و بعنوان يك واقعیت همیشگی پذیرفت و در برابر آن تسلیم شد؟ آیا چنان که نظریه‌پردازان نظام سرمایه‌داری تبلیغ می‌کنند، لیبرالیسم و اسپین مرحله از تاریخ زندگی بشری است؟ و ما به پایان تاریخ رسیده‌ایم؟ یا اینکه پس از این رویداد، دوران تازه‌ای در تاریخ بشر، در جریان مبارزه تاریخی میان فقر و غنا، میان ستم و داد، میان محرومان و غارتگران و میان آزادیخواهان و سرمایه‌داری و امپریالیسم آغاز می‌شود؟ و در این مرحله، محرومان و ستمدیدگان جهان بویژه در مستعمرات خواهند توانست با آموختن از تجاربی که در همه زمینه‌ها به دست آمده است به مبارزه خود در راه‌هایی و دفاع از حق حیات ادامه دهند و پیروز شوند؟

بی‌گمان این رویداد به معنای شکست بی‌چون و چرای نظریات آزادیخواهانه و عدالت خواهانه، بدان گونه که عوامل و چاکران ملّی و جهانی سرمایه‌داری تبلیغ می‌کنند پایان تاریخ نیست و نمی‌تواند باشد.

در همان زمان فروپاشی، برخلاف بسیاری از دوستان و همکاران دانشگاهی و اجتماعی که در سایه تبلیغات گسترده و زیرکانه مقامات فرهنگی و سیاسی کشورهای سرمایه‌داری دچار افسردگی و ناامیدی سیاسی شده یا به کنج عزلت و تنهایی خزیده یا دلسرد شده بودند، نگارنده بر پایه یک تحلیل تاریخی و اجتماعی اطمینان داشت که آنچه رخ داده است نمی‌تواند پیروزی قطعی و نهایی سرمایه‌داری و امپریالیسم دانسته شود و تا هنگامی که ستم و ستمکار باشد، مبارزه با ستم و ستمکار هم ادامه خواهد داشت و با توجه به شرایط تازه‌ای که بر اثر این رویداد، از دید فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در مستعمرات پدید آمده است می‌توان نشانه‌های برآمدن دورانی تازه در تاریخ مبارزات محرومان در این جوامع با سرمایه‌داری و امپریالیسم را دید و با اطمینان به پیروزی نهایی داد و دادگری، در برابر ستم‌ایستاد و تن به امواج نومیدی نسپرد.

از دید نگارنده، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یکی از موانع سیاسی و ایدئولوژیک پا و جان گرفتن جنبشهای مردمی و طبقاتی ضد سرمایه‌داری و امپریالیسم در جوامع مستعمراتی از میان رفته و شرایط تازه‌ای برای فعالیت‌های اجتماعی، تئوریک و سازمانی پدید آمده است. برای بررسی علمی این شرایط تازه و پاسخ دادن به این پرسش که آیا دوران

● با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی،

یکی از موانع سیاسی و ایدئولوژیک پا و جان گرفتن جنبشهای مردمی و طبقاتی ضد سرمایه‌داری و امپریالیسم در جوامع مستعمراتی از میان رفته و شرایط تازه‌ای برای فعالیت‌های اجتماعی، تئوریک و سازمانی پدید آمده است.

می‌یابد و با توجه به آنچه در بسیاری از مستعمرات و دیگر کشورهای عقب‌نگهداشته شده در جریان است، می‌توان با اطمینان کامل از آغاز شدن دورانی تازه در تاریخ بشر، در جریان مبارزه با طبقه حاکم پیوسته به استعمار و امپریالیسم سرمایه‌داری سخن گفت؛ جنبشی که ریشه در گذشته دارد و پس از اینکه سالها انکار شده است امروز خود را آشکارا نشان می‌دهد و امید به آینده بشریت را دوباره زنده می‌کند.

با وجود تفاوت‌ها در ساختار طبقاتی، فرهنگی و عقیدتی مردمان در جوامع مستعمراتی و کشورهای عقب‌نگهداشته شده، اصل تلاش برای استقرار عدالت به معنای رهایی از فقر، ستم، استثمار و استعمار، از سرمایه‌داری و از امپریالیسم، توده‌های محروم در این جوامع را به هم پیوند داده و این همبستگی آگاهانه هر روز بیشتر و سازمان‌یافته‌تر می‌شود. نشانه‌های زیر، گویای این همبستگی و آغاز شدن دورانی تازه در تاریخ بشر است:

۱- افزایش مخالفت آشکار و بی‌پرده سران بسیاری از کشورهای عقب‌نگهداشته شده و مستعمرات با امپریالیسم سرمایه‌داری و به گونه روشن با امپریالیسم آمریکا و انگلیس، با پشتیبانی مردمی بویژه طبقات و اقشار محروم و فقیر و ابراز تمایل آنها به همکاری با یکدیگر چه به گونه مستقیم و چه در مجامع بین‌المللی؛

۲- در تفاوت روشن و آشکار با گذشته، مسائل سیاسی دیگر موضوع اصلی جنبش‌ها و اعتراضات اجتماعی نیست، بلکه تأمین حقوق اقتصادی توده‌های محروم و فقیر، بنیادی‌ترین خواست این جنبش‌ها را تشکیل می‌دهد. توده‌های فقیر و محروم خواستار بازپس گرفتن حقوق و دارایی خود و دگرگونی نظام اقتصادی در جامعه خود شده‌اند و می‌خواهند سلطه یک اقلیت بر ثروتها و سرمایه‌ها و منابع طبیعی جامعه‌شان پایان یابد. این خواست روز به روز در میان مردمان استعمار زده و کشورهای عقب‌نگهداشته شده نیرومندتر می‌شود.

۳- این حقیقت هر روز روشن‌تر می‌شود که در مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته شده، قدرت دولت و حکومت در دست یک طبقه ثروتمند و سرمایه‌دار و مالک بزرگ پیوسته به امپریالیسم سرمایه‌داری است و این طبقه با پشتیبانی امپریالیسم و به گونه بخشی از آن، اعمال حاکمیت و مالکیت می‌کند. مبارزه طبقاتی با این طبقه داخلی و مبارزه

● با وجود تفاوت‌ها در ساختار طبقاتی، فرهنگی و عقیدتی مردمان در جوامع مستعمراتی و کشورهای عقب‌نگهداشته شده، اصل تلاش برای استقرار عدالت به معنای رهایی از فقر، ستم، استثمار و استعمار، از سرمایه‌داری و از امپریالیسم، توده‌های محروم در این جوامع را به هم پیوند داده و این همبستگی آگاهانه هر روز بیشتر و سازمان‌یافته‌تر می‌شود.

همچنین جدایی از آرمانهای انقلاب اکتبر در همه این کشورها، در بسیاری از سرزمین‌ها، جوامع و کشورها بعنوان پیروزی قطعی سرمایه‌داری و امپریالیسم دانسته می‌شود. این برخوردها و تحلیلها به آنجا رسیده است که حتی آرمان و رؤیای بزرگ بشریت یعنی ایجاد جهانی بر پایه دادگری نیز زیر سؤال برود. گسترش سرمایه‌داری در اتحاد جماهیر شوروی و در کشورهای اروپای شرقی همراه با پیروزیهای نظامی آمریکا در خلیج فارس، شرایطی ویژه آکنده از دلسردی و ناامیدی پدید آورده که به قائل شدن قدرت بیش از اندازه برای امپریالیسم انجامیده است. سازمانهای حزبی و فرهنگی و محافل دانشگاهی (وابسته به سرمایه‌داری) پیروزی سرمایه‌داری را جشن گرفته‌اند و به امید ناامید کردن هر چه بیشتر نیروهای آزادیخواه و پیشرو، یعنی نیروهایی که خواستار جهانی رها و آزاد از سرمایه‌داری هستند، فریاد پیروزی سر داده‌اند. این رشته سخنرانی‌ها با عنوان آیا دوران تازه‌ای در تاریخ بشر آغاز شده است؟ به منظور بررسی علمی وضع و شرایط کنونی جهان آغاز می‌شود...»^۲



امروز، پس از گذشت سالها، با توجه به ریشه‌های اجتماعی و ژرفا و دامنه دگرگونیهای سیاسی و اجتماعی که در سالهای اخیر در بسیاری از کشورهای جهان (کوبا، نیکاراگوئه، ونزوئلا، بولیوی، اکوادور، برزیل، موزامبیک، ایران، سوریه، لبنان و...) رخ داده است و هر روز گسترش

تولید و نظام اجتماعی سرمایه‌داری و امپریالیسم که در نخستین مراحل پیدایش و رشد شیوه تولید سرمایه‌داری در کشورهای اروپای غربی با طبقه کارگر و بخشی از روشنفکران در آن جوامع بوده، در طول دوره کلنیالیسم و توسعه امپریالیسم سرمایه‌داری، رفته رفته اما به صورت قطعی و برگشت‌ناپذیر به توده‌های محروم و فقیر و روشنفکران در جوامع مستعمراتی و کشورهای عقب‌نگهداشته شده انتقال یافته است. مردمان فقیر و محروم در مستعمرات، پرولتاریای دوران ما هستند و از همین رو نظریات و تئوریهای اجتماعی و تحلیل‌های طبقاتی در رد و نفی سرمایه‌داری و امپریالیسم در این جوامع سربرمی‌آورد و تکوین و تکامل می‌یابد. مبارزه با سلطه امپریالیسم و شیوه تولید مستعمراتی در مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته شده، در واپسین تحلیل، مبارزه با شیوه تولید سرمایه‌داری و نظام سرمایه‌داری در جوامع سرمایه‌داری کلاسیک نیز هست زیرا با طرد و نفی سلطه اقتصادی امپریالیسم بر مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته شده، شیوه تولید سرمایه‌داری در جوامع سرمایه‌داری اروپا، آمریکا و ژاپن، زمینه اصلی تغذیه و حیات خود را با از دست دادن سلطه بر منابع طبیعی، بازارهای کالا و کار در این سرزمین‌ها از دست خواهد داد و فرو خواهد پاشید.

● جنبش بازنگری در سرزبندی‌های سیاسی و نظامی استعماری که موجب جدایی مردمان در سرزمین‌های استعمارزده و کشورهای عقب‌نگهداشته شده در گوشه و کنار جهان از یکدیگر شده و گرایش به تشکیل اتحادهای منطقه‌ای و قاره‌ای میان اقوام و ملت‌های خویشاوند شتاب یافته است. این حرکت در آمریکای مرکزی و جنوبی سرعت بیشتری دارد، در آفریقا در حال تکوین و در جامعه بزرگ شرق در مرحله پیدایش است.

با امپریالیسم و متجاوزان خارجی یک کل همبسته را می‌سازد و تضادهای آشتی‌ناپذیر مردمان محروم با عوامل داخلی و خارجی متجاوز به حقوق بشر و مخالف مردم‌سالاری نیز به هم آمیخته شده است و تضادی یکپارچه را می‌سازد.

۴- برای بیشتر جامعه‌شناسان و روشنفکران در مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته شده که سالها با اثرپذیری از اندیشه‌ها و تئوریهای نظریه‌پردازان در جوامع سرمایه‌داری اروپای غربی، در بررسی‌های اجتماعی و سیاسی خود سیاست و فرهنگ را مقوله‌هایی جدا از اقتصاد مطرح می‌کرده‌اند، این حقیقت علمی روز به روز آشکارتر می‌شود که در همه جوامع انسانی و در همه دوره‌های تاریخ، سیاست و فرهنگ و اقتصاد یک کل همبسته را می‌سازند و تنها با درک این وحدت می‌توان مسائل و مشکلات اجتماعی را بررسی کرد و برای آنها راهکار به دست داد. دیگر گویهای سیاسی و فرهنگی در یک جامعه، بی‌دیگر گویهای اقتصادی برعکس، به‌رهایی توده‌های محروم و فقیر از ستمهای طبقاتی و امپریالیسم نخواهد انجامید.

۵- با توجه به نکته بالا، برای توده‌های مردم در مستعمرات و کشورهای عقب‌نگهداشته شده هر روز آشکارتر و قابل فهم‌تر می‌شود که هنگامی می‌توان از آزادی و دموکراسی و حقوق بشر در یک جامعه سخن گفت که نه تنها فرهنگ و سیاست بلکه اقتصاد نیز زیر سلطه و حاکمیت و مالکیت یک اقلیت نباشد و اقلیت با داشتن قدرت در مالکیت، بر ثروتها و سرمایه‌ها و منابع طبیعی چنگ نینداخته باشد و همچنین یک اقلیت با در دست داشتن قدرت در حاکمیت، ادعای مالکیت ننماید و بازده کار جامعه و درآمدها از منابع طبیعی را تصاحب نکند.

۶- گرایش و حرکت اجتماعی بویژه در میان روشنفکران به سوی این واقعیت که تنها بر پایه واقعیتهای اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه معین در دوره تاریخی معین و شناخت شیوه تولید مسلط در همان جامعه در دوره معین می‌توان مسائل اجتماعی را به درستی توضیح داد، افزایش یافته و دوران گریته‌برداری و رونویسی از نظریات جامعه‌شناسان و مورخان و نظریه‌پردازان وابسته به مکاتب گوناگون در جوامع سرمایه‌داری (اروپای غربی و آمریکا) و پایبندی بی‌چون و چرا به آنها، رو به پایان است.

۷- مرکزیت، نقطه اتکاء و رهبری مبارزه جهانی با شیوه

باصطلاح خصوصی در مستعمرات و کشورهای عقب نگهداشته شده در شمار این تلاشها است تا با افزایش دادن دامنه این بخش و گسترش روابط مالی و نیز روابط فرهنگی و سیاسی با آن، طبقه‌ای شریک و همکار و مطیع در این سرزمینها فراهم شود که به کمک آن بتوان از فرار مستعمرات و کشورهای عقب نگهداشته شده از بند شیوه تولید مستعمراتی و رهایی آنها از سلطه و غارتگری امپریالیسم سرمایه‌داری جلوگیری کرد. مکمل این تلاش، تشویق دولتها در مستعمرات و کشورهای عقب نگهداشته شده به پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی است تا رابطه با «بخش خصوصی» یکسره تنظیم و تکمیل شود؛ سازمانی که رهبری آن به دست دولتهای سرمایه‌داری استعماری، یعنی همان دولتهایی است که با صنعتی شدن مستعمرات و کشورهای عقب نگهداشته شده و در مورد ایران، با بهره‌گیری ما از انرژی هسته‌ای برای مقاصد و برنامه‌های صلح‌جویانه مخالفت می‌ورزند. به نظر می‌رسد آنچه در شرایط کنونی باید در دستور کار نیروهای پیشرو، عدالت‌خواه و آزادی‌خواه در مستعمرات و کشورهای عقب نگهداشته شده قرار گیرد، این است که در زمینه اقتصاد، به جای افتادن در دام پیوپولیسیسم و طرحهای اقتصادی موقت و «سطحی» که جنبه مسکن دارد، برای رهایی از شیوه تولید مستعمراتی و پیشرفت به سوی جامعه‌ای که در آن حاکمیت و مالکیت اکثریت - نیروهایی که کار می‌کنند و زحمت می‌کشند - در زمینه اقتصاد تأمین و تضمین شده باشد تلاش کنند و با استقرار عدالت در همه زمینه‌ها و برای همگان، جایی برای طبقات پیوسته به استعمار سرمایه‌داری و استثمارگران نگذارند.

پانوش:

1. Begint, Eine, Neue, Ára, Der, Weltgeschichte (HRSg)
Schapour - Ravasani
Sammelband Mit Beitr Ágen- Zur Gleichnamigen Ringvorlesung Im Sommersemester 1991- Bd. I
- Wintersemester 1991- 1992 Bd. II
- Bd III. 1995
2. Bd I. S.8-9

شیوه تولید و نظام اجتماعی سرمایه‌داری در کشورهای سرمایه‌داری بی‌بهره‌کشی از خارج - مستعمرات و کشورهای عقب نگهداشته شده در آفریقا، آسیا و آمریکای مرکزی و جنوبی - نمی‌تواند دوام یابد.

۸- نادرستی فرضیه‌های نژادی، فرضیه‌هایی که در نمایه اصلی فرهنگ صادراتی کشورهای سرمایه‌داری استعماری را تشکیل داده و می‌دهد روز به روز آشکارتر می‌شود.

۹- جنبش بازرگاری در مرزبندی‌های سیاسی و نظامی استعماری که موجب جدایی مردمان در سرزمین‌های استعمارزده و کشورهای عقب نگهداشته شده در گوشه و کنار جهان از یکدیگر شده و گرایش به تشکیل اتحادهای منطقه‌ای و قاره‌ای میان اقوام و ملت‌های خویشاوند شتاب یافته است. این حرکت در آمریکای مرکزی و جنوبی سرعت بیشتری دارد، در آفریقا در حال تکوین و در جامعه بزرگ شرق در مرحله پیدایش است.

۱۰- ضرورت تشکیل سازمانی بین‌المللی برای محرومان و اقوام و ملت‌های خویشاوند در قاره‌های جهان هر روز آشکارتر می‌شود.

از دید نگارنده، با توجه به این نکات، با اطمینان می‌توان گفت که در تلاش برای استقرار عدالت در جامعه بشری و رهایی از ستمهای مایه گرفته از سرمایه‌داری و امپریالیسم و برسرهم رهایی از فقر و ظلم، دوران تازه‌ای در تاریخ بشر آغاز شده و پیوسته پابرجاتر می‌شود. بدین سان، تاریخ نه تنها به گمان نظریه‌پردازان نظام امپریالیستی پایان نیافته بلکه وارد مرحله‌ای تازه شده است.

مسئله‌ای که باید در محافل پیشرو و آزادیخواه در جوامع مستعمراتی و کشورهای عقب نگهداشته شده مورد توجه قرار گیرد این است که روند تاریخی تازه، از دید جامعه‌شناسان، نظریه‌پردازان و رهبران اقتصادی و سیاسی جوامع سرمایه‌داری امپریالیستی و وابستگان طبقات پیوسته به استعمار در مستعمرات و کشورهای عقب نگهداشته شده پنهان نمانده و این عوامل و عناصر سالهاست برای منحرف کردن جریانی که توان جلوگیری از آنرا ندارند، تلاش می‌کنند. کوشش برای تقویت بخش

رژیم‌های غیر دموکراتیک

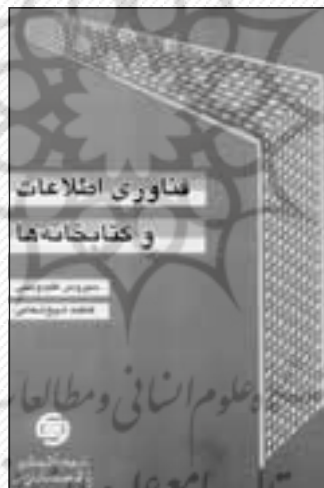
پل بروکر
ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی
با مقدمه دکتر حسین بشیریه
انتشارات کویر
قیمت ۳۷۰۰ تومان

**نظریه‌های جباریت از افلاطون****تا آرت**

دکتر راجر بوشه
ترجمه فریدون مجلسی
انتشارات مروارید
قیمت ۱۰۵۰۰ تومان

**فناوری اطلاعات و کتابخانه‌ها**

سیروس علیدوستی
فاطمه شیخ شعاعی
پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی
ایران
قیمت ۲۲۰۰ تومان

**مدیریت کمیته‌ها در سازمان**

اصغر اسدی
پژوهشگاه اطلاعات و مدارک
علمی ایران
قیمت ۳۰۰۰ تومان

**آموزگار من نواب**

محمد جواد حجتی کرمانی
انتشارات اطلاعات
قیمت ۱۱۰۰ تومان

